

# محرم و عاشورا و فرهنگ عزاداری

نویسنده: علی رضا حسینی

منبع: [/http://islamtxt.net](http://islamtxt.net)

عاشورا، دهمین روز ماه محرم است که از قدیم الایام در اکثر ادیان آسمانی دارای فضیلت و جایگاه ویژه‌ای بوده است؛ بطوری که یهودیان، این روز را، روز نجات بنی اسرائیل از ظلم فرعون دانسته و در این روز، روزه شکر بجای می‌آوردند. بعد از بعثت پیامبر صلی الله علیه وسلم و ظهور اسلام، فضیلت این روز همچنان بر حال خود باقی ماند. با توجه به جایگاه روز عاشورا، آن حضرت صلی الله علیه وسلم امت را تشویق به روزه گرفتن در این روز نموده‌اند. روایتی از حضرت عبدالله بن عباس رضی الله عنه در بخاری نقل شده که می‌فرماید: رسول الله صلی الله علیه وسلم به مدینه تشریف آوردند، یهودیان را دیدند که در روز عاشورا روزه می‌گیرند، آن حضرت صلی الله علیه وسلم فرمودند: [فلسفه] این کار چیست؟ [یهودیان] گفتند: این روز مبارکی است، در این روز خداوند متعال بنی اسرائیل را از دشمنشان نجات داد و حضرت موسی علیه السلام این روز را روزه می‌گرفت. آن حضرت صلی الله علیه وسلم فرمودند: من از شما به موسی سزاوارتر - نزدیک‌تر - هستم. لذا آن حضرت صلی الله علیه وسلم آن روز را روزه گرفتند و دستور به روزه آن روز دادند. روایت دیگری نیز از ابن عباس رضی الله عنه نقل شده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم فرمودند: روز عاشورا روزه بگیرید و با یهودیان مخالفت کنید - به این صورت که - یک روز قبل و یک روز بعد از آن را نیز روزه بگیرید. [مسلم، ش: ۱۱۶۲]

با وجود همه فضایی که در مورد روزه عاشورا در احادیث آمده، متأسفانه در بعضی از کتب اهل تشیع، روایت‌هایی آمده است که با مضامین احادیث پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم مخالفت دارد. مثلاً علامه کلینی در کتاب خود روایت می‌کند: جعفر بن عیسی می‌گوید: از حضرت رضا علیه السلام در مورد روزه عاشورا سؤال کردم. ایشان فرمودند: آیا در مورد روزه ۵-۵ی فرزند مرجانه - عبیدالله بن زیاد - سؤال می‌کنی؟! این روزی است که خاندان زیاد، به خاطر قتل حضرت حسین روزه می‌گرفتند، در حالی که این روز، نزد آل محمد و دیگر مسلمانان، روزی نحس بوده که در این روز نه روزه می‌گیرند و نه آن را مبارک می‌دانند. روز دوشنبه نیز نحس می‌باشد، زیرا در این روز خداوند روح مبارک پیامبرش - حضرت محمد صلی الله علیه وسلم را قبض نمود، و تمام مصیبت‌های آل محمد در روز دوشنبه بوده است. لذا هرکس در این دو روز - عاشورا و دوشنبه - روزه بگیرد و به این دو روز فضیلت قائل باشد، در حالی خداوند متعال را ملاقات می‌کند که قلبش مسخ

شده است و حشر وی با کسانی خواهد بود که روزه و تبرک جستن به این دو روز را سنت قرار داده‌اند. [اصول الکافی ۱۴۶/۴ - الإستبصار ۳۵/۲ - بحار الأنوار ۵۹/۴۵]

در این روایت ساختگی، چندین مطلب ذکر شده است که با دستورات اسلام و سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم مغایرت دارد:

۱- روز عاشورا، نحس قرار داده شده است در حالی که همه ی ایام از جانب خداوند حکیم است و شوم قرار دادن آن ها صحیح نمی باشد.

۲- روز دوشنبه روزی نحس معرفی شده و روزه گیران آن، ممسوخ القلب خوانده شده است، در حالی که در صحیح مسلم حدیثی با این مضمون آمده است: حضرت ابو قتاده رضی الله عنه می فرماید: از پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم در مورد روزه روز دوشنبه سوال شد. آن حضرت صلی الله علیه وسلم فرمودند: این روزی است که من در این روز متولد شده‌ام و در این روز به پیامبری مبعوث شده‌ام و یا اینکه در این روز - قرآن - بر من نازل شده است. [مسلم ش: ۱۹۷۷]

نا گفته نماند که روز دوشنبه در عین حال که روز رحلت آن حضرت صلی الله علیه وسلم می باشد روز ولادت ایشان نیز هست، لذا این روز روز مبارکی نیز می باشد. و روز دوشنبه را به خاطر رحلت پیامبر صلی الله علیه وسلم ، نحس دانستن، نوعی اعتراض بر افعال خداوندی می باشد.

### عزاداری و تاریخچه آن

در ماه محرم، مخصوصاً در روز عاشورا، گروهی از مسلمانان به مناسبت سالگرد شهادت حضرت حسین، هر سال مراسم سوگواری و مجالس عزاداری برپا می کنند و به روضه خوانی، نوحه سرائی، سینه زنی و زنجیر زنی می پردازند. آیا این اعمال واقعاً ثبوت شرعی و دینی دارند؟ و فرهنگ عزاداری به شیوه رایج از چه زمانی شروع شده است؟.

اولاً: باید دانست که در اسلام چیزی به نام " سالگرد " وجود ندارد. به طوری که اگر زندگی پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم و صحابه و دیگر ائمه دین مورد بررسی قرار گیرد، حتی یک مورد که بیانگر برپایی سالگرد فلان موضوع یا سالگرد وفات یا شهادت فلان شخصیت باشد، یافت نمی شود در حالی که در آن موقع اتفاقات مهمی مانند: ولادت پیامبر صلی الله علیه وسلم ، بعثت آن حضرت، وفات آن حضرت و ... رخ داده بود اما نه پیامبر صلی الله علیه وسلم سالروز ولادت و بعثت خود را جشن گرفتند و نه صحابه کرام، بمناسبت

سالگرد وفات رسول الله صلی الله علیه وسلم مراسم عزا و ماتم برپا کردند. به عنوان مثال هنگامی که حضرت حمزه به شهادت رسیدند، آن حضرت صلی الله علیه وسلم حدود هفت سال بعد از این واقعه در قید حیات بودند، اما هرگز نامی از سالگرد شهادت حضرت حمزه، به میان نیاوردند. همچنین در مورد واقعه کربلا و شهادت حضرت حسین نیز از هیچ کدام از ائمه دین که بعد از حضرت حسین بوده اند ثابت نیست که برای شهادت حضرت حسین سالگرد گرفته و مراسم عزاداری و سینه زنی برپا کرده باشند. لذا اهل سنت نوحه سرائی، روضه خوانی، سیاه پوشیدن - به عنوان ماتم - زدن برسرو صورت و ... را هنگام مصیبت، جایز نمی دانند. زیرا اینگونه رفتارها منافی با فرهنگ اسلام و مغایر با فلسفه قیام امام حسین رضی الله عنه می باشد.

اهل سنت معتقدند که گریه و زاری، هیچ نفعی برای میت ندارد. البته در حق شخص گریه کننده باید خاطر نشان کرد که اگر گریه بصورت طبیعی و بی اختیار باشد، نه ثواب دارد و نه گناه. اما اگر گریه ساختگی بوده و واویلا کردن و برسرو صورت زدن را به همراه داشته باشد، این کار مخالف شریعت بوده و گناه محسوب می شود. لذا نزد کلیه مذاهب اهل سنت، گریه کردن به هر عنوانی باشد، اجر و ثواب ندارد مگر در یک مورد و آن هم زمانی است که گریه از ترس خدا گناهان باشد. رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیثی که طبرانی روایت کرده است می فرماید: سه چشم را در روز قیامت، آتش نمی رسد: ۱- چشمی که - با انگیزه بد - به نامحرم نگاه نکند ۲- چشمی که در راه خدا نگهبانی دهد ۳- چشمی که از ترس خدا، اشک بریزد.

اما در مورد مصیبت از دست رفتن عزیزان مخصوصاً وفات یا شهادت بزرگان دین و پیشوایان مذهب، باید توجه داشته باشیم که اشک ریختن و گریه کردن در فراق آنها، هرگز نمی تواند بیانگر احترام گذاشتن و بزرگداشت آنان باشد؛ بلکه قدردانی از زحمات و مجاهدتهای آنان به سه صورت امکان پذیر است: ۱- گفتار و کردار آنان مورد پیروی قرار بگیرد

۲- نام آنها به نیکی یاد شود

۳- از خداوند برای آنان رفع درجات مسألت شود.

در مورد شهادت امام حسین رضی الله عنه نیز این موارد باید رعایت شود. زیرا قدردانی از امام حسین و شهدای اسلام را هرگز نمی توان در قالب هیأت‌های عزاداری - آنهم سالی یک

بار - به وسیله گریه ونوحه به جای آورد، زیرا امام حسین رضی الله عنه نه به گریه ما نیازی دارد ونه هدف از قیام ایشان این بوده است.

در مورد تاریخچه آغاز عزاداری محرم، علامه ابن کثیر دمشقی و علامه ذهبی می نویسند: در سال ۳۵۲ هـ معز الدوله بن بابویه شیعی، مردم بغداد را دستور داد تا لباس سیاه پوشیده، بازار را تعطیل کنند و برای شهادت حضرت حسین بن علی ماتم بگیرند. ابن کثیر در ادامه می نویسد: لذا بعضی از نویسندگان و مؤرخان، معزالدوله را بنیان گذار عزاداری محرم می دانند. [البدایه و النهایه ۱۱ / ۵۷۷۷ - العبر ۲ / ۸۹] در دوران فاطمیان نیز این روز به عنوان روز ماتم تلقی می شد. حاکم و دیگر اراکین حکومتی، این روز را در سوگواری و عزای سپری می کردند. بازار تعطیل می شد و شعراء و مداحان به نوحه سرائی و مداحی و بیان حکایاتی در وصف اهل بیت می پرداختند. [الخطط للمقیریزی ۱ / ۴۳۱]

بنابراین اگر با دیده عقل و انصاف نگریسته شود، بر همگان واضح می گردد که این افعال هیچ ثبوتی در اسلام و تعالیم نبوی نداشته و شخصیت والای حضرت حسین رضی الله عنه از اینگونه افعال بیزار است. زیرا اسلامی که جدّ حضرت حسین رضی الله عنه حامل آن بوده و حسین رضی الله عنه نیز به خاطر آن قیام کرده و جان خود را قربان نموده است، به هیچ وجه این افعال را جایز نمی داند. جدّ حضرت حسین رضی الله عنه حضرت محمد صلی الله علیه وسلم می فرمایند: «لیس منا من ضرب الخدود و شق الجيوب و دعا بدعوی الجاهلیه». [بخاری، ش: ۱۲۹۴] کسی که بر صورت خود بزند و گریبان پاره کند و جملات جاهلی بر زبان بیاورد از - امت - من نیست. درجایی دیگر می فرمایند: «النائح اذا لم تتب قبل موتها، فقام یوم القیامه و علیها سربال من قطران و درع من جرب» [مسلم، ش: ۹۳۴] نوحه کننده اگر قبل از مرگش توبه نکند روز قیامت در حالی حشر می شود که بر بدنش شلواری از قیر و پیراهنی از جرب (نوعی بیماری پوستی) پوشانده می شود.

### مذمت نوحه سرائی در کتب اهل تشیع

با وجود اینکه در کتب اهل تشیع، روایات ساختگی در مورد فضیلت نوحه و نوحه سرائی آمده است، اما در منابع معتبر قدیم و جدید آنان، روایاتی نیز از پیامبر صلی الله علیه وسلم و ائمه منقول است که افعالی مانند نوحه، سینه زنی و ...، مورد مذمت و نکوهش قرار داده شده است، که ذیلاً به چند مورد اشاره می شود:

• محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، معروف به "شیخ صدوق" در کتاب "من لایحضره الفقیه ۲۷۱/۴" می‌نویسد: و من الفاظ الرسول صلی الله علیه وسلم: «النیاحه من عمل الجاهلیه» و از فرمایشات پیامبر صلی الله علیه وسلم است که نوحه‌سرائی از اعمال دوران جاهلیت است. همچنین محمد باقر مجلسی، این حدیث را با الفاظ «النیاحه عمل الشیطان» نوحه کردن کار شیطان است آورده است. [بحار الأنوار ۱۰۳/۸۲]

• رسول اکرم صلی الله علیه وسلم هنگام وفات به حضرت فاطمه رضی الله عنها فرمودند: «ای فاطمه! وقتی من وفات کردم، بر سر و صورت خود نزن، واویلا و نوحه‌سرائی نکن و نوحه‌گران رادعوت نکن» [فروع کافی ۲۱۴۱۲، جلاء العیون مجلسی ۹۲۱۱] ۳- روایتی از حضرت علی رضی الله عنه منقول است که می‌فرمایند: سه عمل از اعمال جاهلیت می‌باشند که مردم همواره تا روز قیامت به آنها دچارند ۱- طلب باران بوسیله ستارگان ۲- بدگویی گذشتگان ۳- نوحه‌سرائی بر مردگان. [بحار الأنوار ۱۰۱۸۲]

• کتاب اصول کافی نزد اهل تشیع چنان کتاب معتمدی است که - به گفته خودشان - امام مهدی در باره آن گفته است: هذا کاف لشیعتنا. این کتاب برای شیعیان ما کافی است! در این کتاب روایتی از امام جعفر صادق نقل شده که فرمودند: مصیبت به سوی بنده مومن می‌آید و اودر مقابل آن مصیبت، صبر می‌کند و مصیبت به سوی کافر هم می‌آید اما او جزع (بی صبری) می‌کند. [اصول کافی باب الصبر، ص ۸۷] در مورد معنی "جَزَع" از امام جعفر صادق سؤال شد، ایشان فرمودند: شدیدترین نوع جزع این است که با صدای بلند واویلا کرده و بر سر و صورت بزند و موی سر را بکند. هرکس مجالس ماتم برپا کند، وی صبر را ترک کرده است. [فروع کافی، کتاب الجنائز ۲۲۳۱]

• شیخ مفید در کتاب "الإرشاد ۹۷۱۲" می‌نویسد: امام حسین به خواهرش زینب فرمود: ای خواهر! من تو را سوگند می‌دهم و تو به سوگند من وفادار باش که اگر کشته شدم به خاطر من، گریبان چاک مکن، چهره را مخراش، و در مرگ من واویلا مگو. • مهمتر از همه این احادیث و روایات اینکه، خداوند متعال در سوره بقره می‌فرماید: ﴿وَلَتَبْلُوَنَّكُمْ بِشِئٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالشَّمَرَاتِ ۗ وَبَشِيرِ الصَّابِرِينَ ﴿۱۵۵﴾ «و قطعاً شما را با چیزی از ترس و گرسنگی و کاهش مال‌ها و جان‌ها و میوه‌ها آزمایش می‌کنیم

و مژده بده به صبر کنندگان(155)» الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ ﴿١٥٦﴾ [البقرة: 155-156] «آن‌ها که هرگاه مصیبتی به ایشان برسد می‌گویند: ما از آن‌الله هستیم، و به سوی او باز می‌گردیم(156)»

این آیه بطور صریح و آشکار، وظیفه مومنان را در قبال آزمایشات الهی و مصیبت‌ها مخصوصاً مصیبت از دست دادن عزیزان، بیان می‌فرماید، واضح است که بی‌صبری و بر سر و سینه زدن، خلاف راه صابران است، لذا در مقابل صبر و تعقل و دعا، جزع و فزع و برپایی مراسم عزاداری و نوحه‌سرائی می‌باشد که شریعت اسلام به هیچ یک از این موارد توصیه نکرده است بلکه بی‌صبری و ماتم گرفتن را خلاف مسیر انسان‌های هدایت یافته می‌داند.

### برداشت ما از حادثه کربلا:

متأسفانه امروزه نگرش مردم به حادثه کربلا یک نگاه احساساتی بوده و صرفاً آن را یک واقعه غم‌انگیز می‌دانند، درحالی که اگر کمی عمیقانه و عالمانه به واقعه کربلا بنگریم، متوجه می‌شویم که پشت پرده این واقعه اسراری بزرگ و آموزنده نهفته است. حادثه کربلا در کنار همه صحنه‌های غمناک و خونین خود، مجموعه‌ای از واقعات با شکوه و عظیم، در تاریخ اسلام و حتی در تاریخ بشریت را در خود جای داده است. امام حسین رضی الله عنه در آن صحرای گرم و با تحمل سختیها، برای نسل‌های بعد از خود پیام عزت، آزادی و مردانگی را به جای گذاشت و خودش و یارانش مورد اکرام و اعزاز خداوندی قرار گرفته و مدال پرافتخار شهادت در راه خدا، از جانب پروردگار متعال برگردنشان آویخته شد. چنانکه علامه ابن تیمیه می‌فرماید: هنگامی که حضرت حسین بن علی رضی الله عنهما در روز عاشورا توسط گروه ظالم و طغیان‌گر به قتل رسید، خداوند متعال وی را با نعمت شهادت مورد اکرام و اعزاز قرار داد، همانطور که اهل بیت ایشان، حضرت حمزه، حضرت جعفر و پدرش علی رضی الله عنهم اجمعین را مورد اکرام خویش قرار داد و شهادت وی - حضرت حسین - باعث بلندی مرتبه و رفع درجات او شد. به راستی که او و برادرش سردار جوانان اهل بهشت‌اند. [الفتاوی: ۱۶۲۱۵]

اهل سنت ضمن اینکه واقعه کربلا را واقعه‌ای غم‌انگیز در تاریخ اسلام دانسته و از آن به عنوان مصیبتی جبران‌ناپذیر یاد می‌کند، جنبه ظلم‌ستیزی و حق‌طلبی و عدالت‌خواهی امام حسین رضی الله عنه را مدنظر قرار داده و به این واقعه به عنوان واقعه‌ای حماسی می‌نگرند

و در پرتوی قیام ایشان که برگرفته شده از تعالیم زیبای اسلام می‌باشد، به زندگی خود معنا بخشیده و درس شهامت و آزادمردی را می‌آموزند. چنانکه استاد مرتضی مطهری از علمای روشن فکر اهل تشیع نیز به اهمیت این دیدگاه اشاره کرده و می‌گوید: آنانی که تنها به صفحه جنایت‌آمیز عاشورا می‌نگرند، فقط مرثیه‌خوان و نوحه‌سرایند، اما آنانی که به صفحه نورانی و حماسی عاشوار نگاه می‌کنند در مسیر حق‌پرستی و انسانی، شور و حماسه می‌آفرینند. [حماسی حسینی ص ۲۱۳]

بنابراین اهل سنت بنا بر اصول اعتقادی خویش، برای هیچ یک از شخصیتها و پیشوایان دینی سالگرد ولادت، وفات و شهادت نگرفته و مراسم سوگواری برپا نمی‌کنند، بلکه سعی بر پیاده کردن زندگی عملی پیشوایان اسلامی در سطح زندگی فردی و اجتماعی امت دارند. و این عقیده، هرگز به معنای محبت نداشتن با امام حسین و اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم نمی‌باشد. اگر اهل سنت در سالروز شهادت حضرت عمر و حضرت عثمان رضی الله عنهما مراسم عزاداری برگزار می‌کردند و در شهادت حضرت علی و حضرت حسین رضی الله عنهما عزاداری نمی‌کردند، جای اعتراض برای معترضین باقی بود، اما با این توضیح دیگر جای هیچ اعتراضی نیست و حقیقت این است که در فرهنگ اهل سنت چیزی بنام سالگرد و عزاداری وجود ندارد.